



باز پژوهی بهشت و جهنم کنونی با تأکید بر تفاسیر قرآن گرایان و سلفی مسلکان

الهه عبدالعلی نژاد^۱، نسیم سادات مرتضوی^۲

۱- دانش پژوه سطح ۴ (مقطع دکتری)، مرکز تخصصی رکن الهدی کرمان، مدرس حوزه و دانشگاه (نویسنده مسئول)
 ۲- دانش پژوه سطح ۴ (مقطع دکتری) مرکز تخصصی رکن الهدی کرمان، مدرس حوزه و دانشگاه علوم پزشکی و باهنر کرمان

چکیده

خلقت کنونی بهشت و جهنم، یکی از مباحث مهم اعتقادی است که از دیرباز ذهن دانشمندان را به خود مشغول کرده و در حوزه کلام و تفسیر مورد کاوش قرار گرفته است. بیشتر مفسران و متکلمان (به ویژه مفسران و متکلمان شیعه) قابلند بهشت و جهنم همراه با آفرینش جهان خلق شده و هم اکنون موجود است. آیاتی از قرآن کریم بر مؤید کلام ماست و احادیث نیز این معنا را تأیید می کند. این نوشتار در صدد بیان دیدگاه تعدادی از مفسران قران گرا و سلفی در رابطه با خلقت بهشت و جهنم کنونی می باشد؛ از این رو دلالت تعدادی از آیات قرآن را که بیشتر محل نزاع می باشند در دو دسته از تفاسیر قرآن گرایان نظیر: المیزان، من وحی القران، الفرقان و تفاسیر سلفی، نظیر: ابن کثیر، جامع البیان طبری، المنار بررسی نموده تا از این طریق مبانی و روش تفسیری صاحبان این تفاسیر را در این مورد خاص آشکار نماید.

کلید واژگان: بهشت و جهنم کنونی، تفاسیر قرآن گرا، تفاسیر سلفی



یکی از بحثهای مربوط به بهشت و دوزخ، مسأله وجود کنونی آنها است که از زمانهای دیرینه، مطرح شده است این بحث در حالی که جنبه کلامی و عقیدتی دارد، بحث تفسیری و قرآنی نیز هست که البته شواهد روایی هم دارد. با مراجعه به کتب کلامی روشن می شود که اکثریت دانشمندان اسلامی وجود کنونی آن را پذیرفته و معتقدند بهشت و جهنم با قدرت لا یزال الهی هم اکنون آفریده شده اند.

مرحوم مفید در «اوائل المقالات» به سه نظریه درباره آفرینش کنونی بهشت و دوزخ در میان متکلمان اسلامی اشاره می کند
1- بهشت و دوزخ هم اکنون آفریده شده اند و اکثریت مسلمانان این نظریه را پذیرفته اند. و حق هم همین است که تعدادی از آیات صریح هم بر آن دلالت می کنند.

2- آفرینش هر دو در شرائط کنونی امری است ممکن ولی دلیل بر تحقق فعلی آن در دست نیست و این نظریه مربوط به معتزله و خوارج و گروهی از زیدیه است.

3- آفرینش بهشت و دوزخ در وضع کنونی امری غیر ممکن است و این نظریه مربوط به «ابوهاشم» و «قاضی عبد الجبار» می باشد. و اگر «ابوهاشم» می گوید آفرینش کنونی آنها محال است، مقصود او محال بالغیر و یا به اصطلاح محال وقوعی است. (أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات؛ ص ۱۲۴ و ۱۲۰)

علت اختلاف متکلمین و مفسرین در این زمینه چه بسا مواجه شدن با دو دسته آیات است:

دسته ی اول: آیاتی که فی الجمله ظهور در وجود بهشت و جهنم کنونی دارند

از جمله این آیات:

۱) آیاتی که بحث إحاطه جهنم را مطرح می کنند؛ نظیر:

- سوره التوبه: آیه ۴۹: «وَمَنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَذُنْ لِي وَلَا تَفْتِنِّي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ»
- سوره عنکبوت ۵۴: «وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْ لَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَجَاءَهُمُ الْعَذَابُ وَلِيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۵۳) يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ (۵۴)»

۲) آیاتی که مربوط به معراج حضرت رسول (صلی الله علیه وآله و سلم) است؛ مثل:

- سوره نجم آیات ۱۳-۱۵: «وَلَقَدْ رَأَاهُ نَزَّلَةً أُخْرَى (۱۳) عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى (۱۴) عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى (۱۵)»

۳) آیاتی که بیانگر کلماتی است نظیر أُزِلْفَتِ الْجَنَّةِ؛ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ و.... که چه بسا خلقت کنونی بهشت از آن استفاده می شود؛ از جمله:

- شعرا ۹۰ و ۹۱: «وَأُزِلْفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ ۹۰ وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ ۹۱.»
- آل عمران؛ ۱۱۳: «وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ»



- تکاثر ۵-۷: «كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ (۵) لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ (۶) ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ (۷)

دسته ی دوم: آیات متعددی، که بر برپایی قیامت و بهشت و جهنم با شرایط خاصی دلالت دارند؛

از جمله این آیات:

- آیه ۴۸ سوره ابراهیم: «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ»

- آیه ۱۰۴ سوره انبیاء: «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نَعِيدُهُ وَعَدَّا عَلَيْنا إِنَّا كُنَّا فاعِلِينَ».

از این رو جمع بین این دو دسته آیات، نزد برخی مشکل شده و معرکه ی آراء گردیده است. از آنجا که این مسأله بیشتر جنبه نقلی دارد؛ بایستی از آیات و روایت حکم آن را استنباط نمود؛ این نوشتار در صدد بیان دیدگاه تعدادی از مفسران قرآن گرا و سلفی در رابطه با خلقت بهشت و جهنم کنونی می باشد؛ به همین دلیل دلالت تعدادی از آیات قرآن را که بیشتر محل بحث می باشند در دو دسته از تفاسیر قرآن گرایان نظیر: المیزان، من وحی القرآن، الفرقان و تفاسیر سلفی، نظیر: ابن کثیر، جامع البیان طبری، المنار بررسی نموده تا از این طریق روش تفسیری صاحبان این تفاسیر را در این رابطه آشکار نماید. لازم به ذکر است که تفسیر المنار، جزء تفاسیر قرآن به قرآن یا به عبارتی قرآن باور به شمار می آید که رویکرد سلفی دارد؛ خصوصا در قسمتی از تفسیرش که به قلم شاگردش رشید رضا نوشته شده است. واز آنجا که رویکرد سلفی در آن بسیار دیده می شود، در این نوشتار در مجموعه ی تفاسیر سلفی بحث می شود.

۱- آیاتی که بحث احاطه جهنم را مطرح می کنند

۱-۱ سوره التوبه: آیه ۴۹ «وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أُنذِرْ لِي وَلَا تَفْتِنِّي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ»

۱-۲ سوره عنکبوت، آیه ۵۴ «وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْ لَا أَجَلٌ مُسَمًّى لَجَاءَهُمُ الْعَذَابُ وَلِيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۵۳) يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ (۵۴)»

مفسران در تفسیر جمله «و إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» دیدگاه های مختلفی دارند:

دیدگاه اول: بعضی می گویند این جمله کنایه از آن است که عوامل و اسباب ورود به جهنم یعنی گناهان آنها را احاطه کرده است. (من وحی القرآن، ج ۱۱ و تفسیر المنار، ج ۱۰، ۴۷۸)

دیدگاه دوم: بعضی قایلند که این از قبیل حوادث حتمی آینده است که به صورت ماضی یا حال بیان می شود، یعنی به طور قطع در آینده، جهنم آنها را در بر خواهد گرفت. (تفسیر القرآن العظیم ابن کثیر، ج ۶، ۲۶۱)



دیدگاه سوم: ولی این احتمال نیز وجود دارد که جمله را به معنی حقیقی اش تفسیر کنیم و بگوئیم هم اکنون جهنم موجود است و آنها در میان جهنم هستند، اگر چه هنوز فرمان تاثیر کردن آن صادر نشده است، همانگونه که بهشت نیز هم اکنون وجود دارد و در باطن و درون این جهان به همه احاطه کرده است

صاحبان تفاسیر المیزان، الفرقان و جامع البیان قایل به این دیدگاه هستند که در ذیل عبارات این مفسرین می آید

علامه طباطبایی می نویسد: پس اینکه فرمود: "أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا" با جمله "وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ" تقریباً معنای واحدی را می رسانند، و آن این است که این مردم منافق هم در دنیا و هم در آخرت در فتنه و هلاکت ابدی قرار دارند. ممکن هم هست از جمله "وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ" استفاده کرد که جهنم فعلاً نیز محیط به کفار است، نه در آینده، آیات داله بر تجسم اعمال هم این معنا را می رساند. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ۳۰۵ و ۳۰۶)

بیان علامه و استفاده از آیات در تفسیر، نشان دهنده ی قرآن محوری ایشان است

صادقی تهرانی بیان می دارد: از مطالب غریب است که کفار در عذاب خودشان تعجیل می کنند؛ در حالیکه به واسطه کفرشان، جهنم عذاب در خودشان هست «وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ»؛ در همین دنیا عذاب، ایشان را در بر گرفته و سپس جهنم، عذاب روز قیامت برایشان آشکار می شود. (الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، ج ۲۳، ۹۳)

طبری نیز می نویسد: القول فی تأویل قوله تعالی: يستعجلونك بالعذاب و إن جهنم لمحیطة بالكافرين يقول تعالی ذكره: يستعجلک یا محمد هؤلاء المشركون بمجىء العذاب و نزوله بهم، و النار بهم محیطة لم یبق إلا أن یدخلوها. (جامع البیان فی تفسیر القرآن طبری، ج ۲۱، ص: ۷)

۲- آیاتی که مربوط به معراج حضرت رسول (صلی الله علیه وآله و سلم) است؛ مثل:

۱-۲ سوره نجم آیات ۱۳-۱۵: «وَلَقَدْ رَأَاهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ (۱۳) عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ (۱۴) عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ (۱۵)»

این آیه از جمله آیاتی است که محل اختلاف بوده و در اینکه «جنه المأوی» کدام بهشت است؟ در میان مفسران گفتگو است، ابتدا مفردات این آیه را از تفسیر المیزان بیان نموده و بعد دیدگاه مفسران را در رابطه با «جنه المأوی» را بررسی می کنیم

مفردات آیه:



کلمه «نَزْلَةٌ» به معنای یک دفعه نزول است، و معنای آن نزول واحد است، و این آیه دلالت می کند بر اینکه از این آیه به بعد می خواهد از یک نزول دیگر غیر آن نزولی که در آیات سابق حکایت شده بود خود خبر دهد. و با در نظر داشتن اینکه مفسرین فاعل «رآه» را رسول خدا (ص) دانسته و ضمیر مفعولی در آن را به جبرئیل برگردانده اند، قهرا منظور از «نزلت» نازل شدن جبرئیل بر آن جناب خواهد بود، نازل شدنش برای اینکه آن جناب را به معراج ببرد. (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص: ۴۹)

و جمله «عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى» ظرف برای رؤیت است، نه برای نازل شدن، و مراد از رؤیت هم رؤیت آن جناب است جبرئیل را به صورت اصلیش. و معنای جمله این است که: جبرئیل یک بار دیگر به صورت اصلیش در برابر رسول خدا (ص) در آمد، تا به معراجش ببرد، و این جریان کنار سدره المنتهی واقع شد.

«سدره»: کلمه «سدر» به معنای جنس درخت سدر، و کلمه «سدره» به معنای یک درخت سدر است،

و کلمه «منتهی» - گویا- نام مکانی است، و شاید مراد از آن، منتهای آسمانها باشد به دلیل اینکه می فرماید: جنت ماوی پهلوی آن است، و ما می دانیم که جنت ماوی در آسمانها است، چون در آیه فرموده: «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ».

علامه در رابطه با اینکه این درخت سدره چه درختی است؟ می نویسد در کلام خدای تعالی چیزی که تفسیرش کرده باشد نیافتیم، و مثل اینکه بنای خدای تعالی در اینجا بر این است که به طور مبهم و با اشاره سخن بگوید، مؤید این معنا جمله "إِذْ يَغْشَى السُّدْرَةَ مَا يَغْشَى" است، که در آن سخن از مستوری رفته است، در روایات هم تفسیر شده به درختی که فوق آسمان هفتم قرار دارد، و اعمال بندگان خدا تا آنجا بالا می رود. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ۳۲)

عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى: جنه الماوی به معنی بهشتی است که محل سکونت است

روش تفسیری علامه در اینجا کاملا واضح است، ایشان ابتدا با محور قرار دادن آیات، مفهوم آیه را روشن نموده و سپس روایاتی را هم در تکمله بحث می آورد.

در اینکه این کدام بهشت است؟ در میان مفسران اختلاف نظر است

۱) علامه طباطبایی، آن را بهشت جاویدان (جنه الخلد) می دانند که در انتظار تمام اهل ایمان و پرهیزگاران است؛ (

المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ۳۲)



علامه با استفاده از آیات دیگر منظور از جنه المأوی را توضیح داده و می فرماید یعنی بهشتی که مؤمنین برای همیشه در آن منزل می کنند، چون بهشت دیگری هست موقت، و آن بهشت برزخ است که مدتش تا روز قیامت تمام می شود، و «جنت ماوی» بعد از قیامت است. هم چنان که فرموده: «فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»، و نیز فرموده: «فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَى ... فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى»، و این جنت الماوی به طوری که آیه ۲۲ سوره ذاریات دلالت می کرد، در آسمان واقع است. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ۳۲)

علامه ذیل آیه اول سوره اسراء در تبیین روحانی بودن معراج حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) می نویسد: مقصود از روحانی بودن آن این است که روح مقدس آن جناب به ماورای این عالم مادی یعنی آنجایی که ملائکه مکرمین منزل دارند و اعمال بندگان بدانجا منتهی و اقدار از آنجا صادر می شود عروج نموده و آن آیات کبرای پروردگارش را مشاهده و حقایق اشیاء و نتایج اعمال برایش مجسم شده، (تمثلت له حقائق الأشیاء و نتائج الأعمال) ارواح انبیای عظام را ملاقات و با آنان گفتگو کرده است، ملائکه کرام را دیده و با آنان صحبت نموده است. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ۳۳)

۲) طبری می نویسد: آن، بهشت شهدا است. و در این رابطه فقط بر روایات تأکید کرده است حدیثی محمد بن سعد، ... عن ابن عباس، قوله: عندها جنه المأوی قال: هی یمین العرش، و هی منزل الشهداء. (جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۷، ۳۳)

ابن کثیر در ذیل آیه مورد نظر، بحثی را نیاورده است

و صاحب تفسیر الفرقان فقط بحث عنایت را مطرح می کند و درباره ی جنه المأوی هیچ توضیحی نمی دهد. (الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، ج ۲۷، ۴۰۷)

مقایسه بین تفاسیر مذکور ذیل آیه بالا دقت نظر علامه و قرآن محوری ایشان و از طرفی نگاه سطحی و نقل گرایی تفاسیر سلفی را تبیین میکند.

۳- آیاتی که بیانگر کلماتی است نظیر **أُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ**؛ **أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ** و... که چه بسا خلقت کنونی بهشت از آن استفاده می شود؛ از جمله:

۱-۳ - شعرا ۹۰ و ۹۱ « وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ ۹۰ وَ بُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ »



علامه طباطبایی می نویسد: کلمه «ازلقت» از مصدر ازلاف، به معنای نزدیک کردن است و کلمه «برزت» از تبریز مصدر باب تفعیل به معنای اظهار است. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص: ۲۹۰)

صادقی تهرانی ذیل این آیه آورده است: بهشت فضل الهی است که قبل از روز قیامت خلق شده است

«وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ» حیث کانت کامنه فی الغاوبین، تبریز بما برز و لیوم الدین، و اما الجنة فهی قضیه فضل الله، مخلوقه بأرضها قبل یوم الدین، و لكن الجحیم تصلی بما یردها أهلوها من الغاوبین، فلذلک الجنة تزلف و الجحیم تبرز: «وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ. وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ»؛ «وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ» فهنا ازلاف التقرب لغير بعيد، و هنالك تبریز التسعیر حیث یحشر کلّ بعيد. (الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، ج ۲۲، ۶۶)

تفاسیر من وحی القرآن (ج ۱۷، ۱۳۰)؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۱۹، ۵۵)؛ فتح البیان فی مقاصد القرآن (ج ۵، ۸۴) و تفسیر القرآن العظیم ابن کثیر (ج ۶، ۱۳۵) ذیل این آیه بحثی که مربوط به خلقت کنونی بهشت و جهنم باشد نیآورده اند و ظاهراً فقط بحث بهشت و جهنم اخروی مطرح شده است

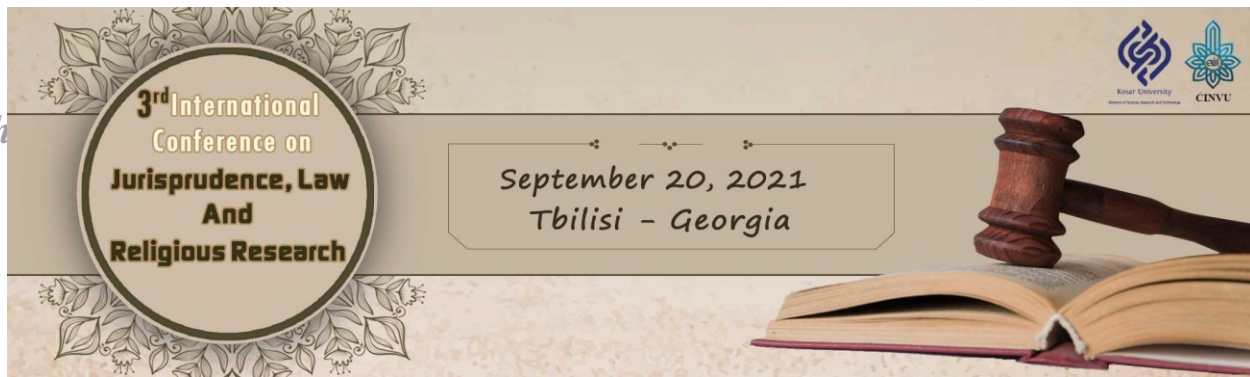
۲-۳- آل عمران، آیه ۱۱۳: «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» صاحب تفسیر المیزان بعد از مباحث تفسیری ذیل آیه، به روایتی در ارتباط با «جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ» در مجمع البیان اشاره می کند و می نویسد: از رسول خدا (ص) روایت کرده که شخصی از آن جناب پرسید: وقتی عرض بهشت همه آسمانها و زمین باشد پس دوزخ کجا است؟ رسول خدا (ص) فرمود: سبحان الله وقتی روز می آید شب کجا است. (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، ۳۱)

صاحب تفسیر المنار در مورد عبارت «أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» می گوید: یعنی بهشت برای متقین آماده شده است و در این عبارت دلیلی است بر اینکه بهشت مخلوق است و از این عالم خارج است. (تفسیر المنار، ج ۴، ۱۳۲)

در تفسیر الفرقان بیان شده: بهشت الان موجود است به حسب آیه نجم و آنچه شبیه آن است، همانطور که صالحات در بهشت هستند، طالحات در آتش اند؛ که این بهشت و آتش برای ثواب و عذاب آنها فراهم شده اند. (الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، ج ۵، ۳۸۵)

در من وحی القرآن، بحث مورد نظر، ذیل آیه یافت نشد (من وحی القرآن، ج ۶، ۲۶۹)

طبری می نویسد: عبارت «أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ»؛ یعنی: بهشتی که عرضش مانند عرض سموات و ارضین سبع هست، خداوند آن را برای متقین آماده کرده است. (جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ۶۰)

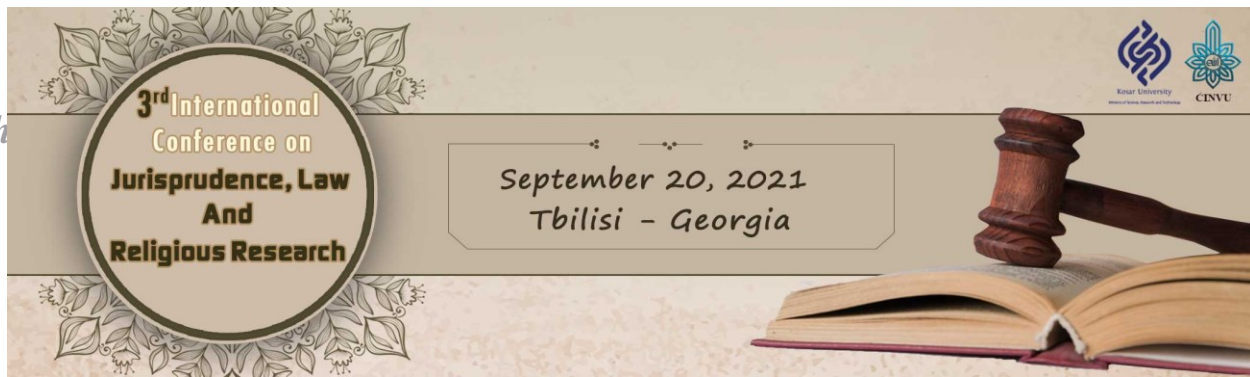


در تفسیر القرآن العظیم آمده است: خداوند متعال فرمود: «و سارعوا إلى مغفرة من ربكم و جنّة عرضها السماوات و الأرض أعدت للمتقين» یعنی همانطور که آتش برای کافران فراهم شده است و این آیه مانند قول خداوند در آیه ۲۱ سوره حدید است «سابقوا إلى مغفرة من ربكم و جنّة عرضها كعرض السماء و الأرض».

وی روایتی را از مسند احمد بن حنبل می آورد که هرقل در آن نامه ای می نویسد به نبی (صلی الله علیه و سلم) بدین مضمون: که شما مرا به بهشتی که عرضش آسمانه و زمین است دعوت می کنی، پس آتش کجاست؟ پس نبی (صلی الله علیه و سلم) می فرماید: «سبحان الله فأین اللیل إذا جاء النهار؟»؛ سبحان الله وقتی روز می آید، پس شب کجاست؟ (ابن کثیر، ج ۲، ۱۰۲)

نتیجه گیری:

با مشاهده ی آراء تفسیری این دو گروه از مفسران (سلفی ها و قرآن گرایان) در بحث مورد نظر و مقایسه آن دو با هم، روشن می شود، مفسران قرآن گرا بر اساس مبانی تفسیری خود و رویکرد قرآن محوری، بیشتر بر دلالت خود آیات و سیاق، تأکید داشته و البته از روایات نیز غفلت ننموده و در تأیید رأی خود از روایات بهره برده اند و از طرفی تفاسیر سلفی، کمتر نگاه تحلیلی نسبت به آیات داشته و تمام توجه خود را به ظاهر آیه معطوف داشته اند و گاهی بر طبق مبنای نقل گرایان خود در وهله ی اول به سراغ روایت رفته اند. با این وجود دیدگاه غالب در این نوشتار چنانکه از مراجعه به تفاسیر قرآن گرایان و سلفی ها از مفسران شیعه و سنی روشن می شود این است که بهشت و جهنم با قدرت لا یزال الهی هم اکنون آفریده شده اند و شواهد متعدد از جمله روایات باب معراج و آیات متعددی این دیدگاه را تقویت می کند.



فهرست منابع:

- ابن كثير، اسماعيل بن عمر، تفسير القرآن العظيم (ابن كثير)، ٩ جلد، دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون - لبنان - بيروت، چاپ: ١، ١٤١٩ ه.ق.
- راغب اصفهاني، حسين بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ١ جلد، دار الشامية - لبنان - بيروت، چاپ: ١، ١٤١٢ ه.ق.
- رضا، محمد رشيد، تفسير القرآن الحكيم الشهير بتفسير المنار، ١٢ جلد، دار المعرفة - لبنان - بيروت، چاپ: ١، ١٤١٤ ه.ق.
- شيخ صدوق، الخصال، محقق و مصحح: غفاري، علي اكبر، ج ٢، ص ٣٥٩، قم، دفتر انتشارات اسلامي، چاپ اول، ١٣٦٢ ش
- شيخ مفيد، أوائل المقالات في المذاهب و المختارات - قم، چاپ: اول، ١٤١٣ ق.
- صادقي تهراني، محمد، الفرقان في تفسير القرآن بالقرآن و السنه، ٣٠ جلد، فرهنگ اسلامي - ايران - قم، چاپ: ٢، ١٤٠٦ ه.ق.
- طباطبائي، محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، ٢٠ جلد، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات - لبنان - بيروت، چاپ: ٢، ١٣٩٠ ه.ق.
- طباطبائي، محمد حسين، ترجمه تفسير الميزان، ٢٠ جلد، جامعه مدرسين حوزه علميه قم، دفتر انتشارات اسلامي - ايران - قم، چاپ: ٥، ١٣٧٤ ه.ش.
- طبري، محمد بن جرير، جامع البيان في تفسير القرآن (تفسير الطبري)، ٣٠ جلد، دار المعرفة - لبنان - بيروت، چاپ: ١، ١٤١٢ ه.ق.
- طريحي، فخرالدين بن محمد، مجمع البحرين، ٦ جلد، مرتضوى - ايران - تهران، چاپ: ٣، ١٣٧٥ ه.ش.
- فضل الله، محمد حسين، من وحى القرآن، ٢٥ جلد، دار الملاك - لبنان - بيروت، چاپ: ١، ١٤١٩ ه.ق.
- قرشي بنابي، علي اكبر، قاموس قرآن، ٧ جلد، دار الكتب الإسلامية - ايران - تهران، چاپ: ٦، ١٣٧١ ه.ش.
- كليني، محمد بن يعقوب، الكافي (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ١٤٠٧ ق.